

از مهاجرت و رویدادهای ناشی از تحولات منفی در اتحاد شوروی، دلائل ضعف رهبری حزب در مهاجرت، برای جلوگیری از تشتت سازمانی و نظری، گرایش به چپ در سطح جهان و... همگی فصول قابل توجهی از گفتگو با نورالدین کیانوری را تشکیل می‌دهد.

راه توده در شماره‌های آینده خود، فصول مشروح تری از این گفتگو را منتشر خواهد کرد؛ آنچه را در زیر می‌خوانید بر گرفته شده از همان فصول مشروحه است، که ما در آینده بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

## گرایش به چپ در جهان وضع ایران

- به نظر شما، وضع کنونی کشورمان چطور است؟

- می‌دانید که من تماس زیادی با مردم ندارم، آنچه که می‌خوانم یا می‌شنوم، دوگانه و متضاد است. از اظهارات مسئولین کشور چنین فهمیده می‌شود که همه چیز درست است و در روند پیشرفت؛ اما به نظر من، واقعیت این است که اقشار گوناگون مردم از کارگر گرفته تا روشنفکر و کشاورز و بخش وسیعی از اقشار متوسط و کارمندان و بدون تردید ارتش چند میلیونی بیکاران از وضع اقتصادی و سیاسی موجود، به شدت ناخشنود هستند و خواهان تغییرات جدی در زمینه‌های گوناگون زندگی اجتماعی‌اند. کارگران و بویژه کارگران صنعتی، مصراانه خواستار آزادی برای تشکیل اتحادیه صنفی خود هستند، همانطور که بازرگانان و سرمایه داران از این امکان برخوردارند. قشر وسیعی از روشنفکران و دیگر اقشار جامعه نیز خواستار آزادی‌های سیاسی پیش بینی شده در قانون اساسی هستند. همچنین تشکیل انجمن‌های استانی و شهرستانی و شهری از راه انتخابات واقعا آزاد خواست بخش وسیعی از اقشار گوناگون مردم است. دادن آزادی فعالیت به گروه‌های سیاسی که صادقانه قانون اساسی را قبول دارند، ضروری به نظر می‌رسد. امروز سرمایه داران ایران تا آن اندازه نیرومند شده‌اند، که حتی به دولت کنونی که امکانات وسیعی را برای به دست آوردن سودهای کلان در اختیار آن گذاشته، راضی نیستند و بازم بر پایه قانون تغییرناپذیر رژیم سرمایه داری که در سراسر جهان حاکم بر بازار است، یعنی سود حداکثر، خواهند کوشید که در دوره آینده انتخابات (مجلس پنجم) با گمراه کردن مردم و با وعده‌های مردم فریبانه و در ظاهر انتقادی، نمایندگان مستقیم خود را در اکثریت کرسی‌های مجلس بنشانند. اگر در زمان کوتاهی که به انتخابات باقی مانده است، آزادی‌هایی که در بالا از آن نام برده شد تامین نشود، پیروزی سرمایه داری بزرگ کشور، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. و این درست همان چیزی است که بانک جهانی، که نماینده و کارگزار سرمایه بین‌المللی است، خواهان آن است. در صورتی که این جریان رخ دهد، باید فاتحه عدالت اجتماعی را تا آینده دور خواند... آنچه که در سال‌های اخیر علیرغم تمامی شعارهای زیبا و جذاب در رابطه با عدالت اجتماعی و مساوات دیده می‌شود، برخلاف این شعار است. تن دادن به نقشه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تحت عنوان "تعدیل اقتصادی" که در اصل سیاست امپریالیسم برای تسلط بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه است و ایجاد محدودیت برای مخالفین این سیاست‌ها، عکس آن شعار است. نزدیکتر از موسوی خویینی‌ها به امام چه کسی بود؟ اگر او به مجلس می‌رفت چه اتفاقی می‌افتاد که امثال او را حذف کردند؟ همانند او کنار زده شدند، چون بنا بر این گرایش (خصوصی سازی و پیروی از برنامه صندوق بین‌المللی) که گردانندگان بازار ایران خواستارش بودند، سازگاری نداشتند.

س- اما الان روزنامه دارد، روزنامه سلام

ج- اما روزنامه سلام هم به خودسانسوری مجبور شده است، جرات انتقاد ندارد.

س- من فکر می‌کنم اینها همه به نوعی دچار یک نوع روشنفکر زدگی شده‌اند، بجای اینکه بیایند فرهنگ سیاسی جامعه را بالا ببرند، روی برخورد سیاسی با افراد کار کردند.

ج- راستش من نمی‌فهمم که مقصود شما از بالا بردن فرهنگ سیاسی جامعه چیست و چه روشی را پیشنهاد می‌کنید؟ فرهنگ سیاسی جامعه ما تنها از طریق برخورد عقاید و آراء، درباره مسائل مهم سیاست داخلی و خارجی و اقتصادی و فرهنگ و آموزش کشور، بالا می‌رود و نه فقط از طریق انتشار یک روزنامه محدود با خوانندگانی محدود.

س- شما فکر می‌کنید باید به جو سال‌های ۵۹-۶۰ و آن بلبشوی آزادی احزاب برگردیم؟ کارنامه احزاب و گروه‌ها در آن سالها چه بود؟ آنارشیسم، ترویج فاشیسم، رشد اختلاف و تشتت.

ج- بنظر من، اگر مدتی آزادی حزبی و آزادی تبلیغ سیاسی یک مرام و با سخف گیری همه جانبه علیه خرابکاران و آشوب طلبان، استمرار پیدا می‌کرد، رفته رفته اوضاع به سمتی می‌رفت که هم اکنون در هندوستان و پاکستان شاهد آن هستیم. س- این اشکال در خود احزاب و جریان‌ها بود و یا دو نظام؟ بنظر می‌رسد صداقت انقلابی و روحیه انقلابی و صبر در خود احزاب وجود نداشت.

«گفتگو با تاریخ» در ایران منتشر شد و ۱۰ هزار

جلد آن طی چند روز به فروش رسید!

## نورالدین کیانوری:

# مردم در انتظار آزادی احزاب هستند!

\* حزب توده ایران آرمان کرائی را با واقعیات جامعه ایران منطبق می‌کند!

\* در کنار چهار طیف مذهبی، "نهضت آزادی، کارگزاران، جناح راست و خط میانه"، که هر کدام اقشار معین اجتماعی را در نظر دارند، حزب کارگران و دهقانان (حزب توده ایران) باید در ایران فعالیت آزاد داشته باشد.

\* دیگر اتحاد شوروی وجود ندارد، که بتوان اتهام داشتن پایگاه خارجی را بهانه جلوگیری از فعالیت سیاسی (حزب توده ایران) کرد.

نخستین جلد از کتاب دو جلدی جدید "نورالدین کیانوری"، تحت عنوان «گفتگو با تاریخ» در ایران منتشر شد. این کتاب که دو هزار تومان قیمت دارد و به گیتیه ناشر و فروشنندگان کتاب در تهران، در سه روز نخست توزیع بیش از ۱۰ هزار نسخه آن بفروش رسیده، توسط ناشری بنام "فکر" چاپ شده است.

این کتاب، گفتگویی است پیرامون تاریخ معاصر ایران و تاریخ فعالیت حزب توده ایران. آنچنان که از تاریخ وقایع بر می‌آید و تاکید می‌کند که در مقدمه کتاب آورده شده، جلد نخست "گفتگو با تاریخ"، در حالیکه اشاره به تحولات جهانی تا سال ۹۶ را در بر می‌گیرد، در باره رویدادهای ایران تا سال ۷۳ را شامل می‌شود و جلد دوم براساس مقدمه کتاب، سالهای پس از ۷۳ را شامل خواهد شد.

دفاع صریح کیانوری از تاریخ حزب توده ایران و حضور همه جانبه اش در انقلاب و سال‌های پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ و همچنین پیش بینی تحولاتی که در سالهای پس از ۷۳ در ایران - بویژه در سال‌های ۷۵ و ۷۶ - روی داد، از جمله ویژگی‌های این کتاب است. در همین کتاب و در خلال گفتگو، از برنامه تعدیل اقتصادی بشدت انتقاد شده، حرکت جامعه بسوی مقاومت در برابر این برنامه و عواقب آن تحلیل شده و حتی احتمال تشکیل احزاب متفاوت در جامعه و توسط حکومتیان و پیرامونیان حکومت نیز پیش بینی شده است. آنچه که در این گفتگو، در ارتباط با ضرورت بازگشت آزادی‌ها به جامعه، دفاع از حق فعالیت آزاد "نهضت آزادی ایران"، رفیق اطرافیان هاشمی رفسنجانی و کارگزاران دولت وی به سمت تشکیل حزب (که سرانجام با نام کارگزاران وارد انتخابات مجلس پنجم شد) و یک سلسله رویدادهای آستانه انتخابات مجلس پنجم و انتخابات ریاست جمهوری و... پیش بینی و مطرح شده است. این مجموع بار دیگر نشان می‌دهد، که حزب توده ایران، با دقت و پیگیری بی‌تزلزل، رویدادهای کشور را دنبال کرده، آنها را تجزیه و تحلیل کرده و نظرات و رهنمودهای مشخص خود را برای نجات انقلاب ۵۷ و به عقب راندن غارتگران بازاری و ارتجاع مذهبی از درون این تحلیل و بررسی‌ها استخراج می‌کند. تاکید بر واقع بینی انقلابی، درک شرایط امروز ایران، تلاش برای آزادی فعالیت سیاسی، انتقاد از خودباختگی رهبری سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت - پس

تضادهایی با این زورگویان هستند، مانند برخی کشورهای امریکای لاتین و کشورهای از اروپای شرقی و مرکزی که در دو سه سال گذشته نیروهای چپ گرا در آنجا به قدرت رسیده اند، مناسبات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را بیش از پیش گسترش دهد.

س- فکر نمی کنید که اگر دولت به نیروهای مخالف در درون ایران روی بیاورد، این، به تعییت از نظریات آنان خواهد انجامید؟

ج- رادیو بی. بی. سی در مورد نتایج انتخابات افریقای جنوبی و موفقیت کنگره ملی افریقای جنوبی با مهندس بازرگان مصاحبه ای داشت که به نظر من، مهندس بازرگان خیلی خوب صحبت کرده بود. او گفت: ما می توانیم از تحولات اخیر در افریقای جنوبی دو درس عمده بگیریم، درس اول، صبر و تحمل است، آنها ۲۷ الی ۳۰ سال صبر کردند و ۲۷ سال ماندلا و یارانش در زندان ماندند. هیچکس تصور نمی کرد کسی که ۲۷ سال زندانی بوده، امروز رئیس جمهوری افریقای جنوبی باشد.

درس دوم انقلاب، سیاست نلسون ماندلا در ایجاد رفاقت و دوستی با همه، حتی با دشمنان و زندانیان گذشته خود است. کاری که ما در ایران عکس آن عمل کردیم، یعنی از اول انقلاب تا به حال، نه تنها با دشمنان کنار نیامدیم و سعی نکردیم رفاقتی با آنها داشته باشیم و از نیروهایشان استفاده کنیم، بلکه دوستان را هم گروه گروه کنار زدیم.

س- شما خودتان هم معتقد نیستید که با دشمنان اتحاد برقرار کنیم.

ج- درست است که برخی از روشنفکران که در کشور ما هستند با دشمنان میهن ما همراهند و بخش کوچکی از آنها که به خارج رفته اند با بازماندگان رژیم گذشته همکاری می کنند، اما همه که اینطوری نبودند. در اینجا و در اول انقلاب، بسیاری از نیروهای مختلف که در جبهه واحدی عمل می کردند و به قانون اساسی هم رای دادند، طرد شدند. کنگره ملی افریقا، با سفید پوستان، یعنی با همان هایی که ۳۰ سال با آنان جنگیدند، آشتی کردند، ولی چند گروه مسلمان های معتقد که انتقاداتی داشته اند، مانند نهضت آزادی، آیت الله منتظری و هواداران ایشان، مجمع روحانیون مبارز، اکثریت نمایندگان دوره سوم مجلس و کسانی مانند مهندس موسوی که ۸ سال تمام مورد تائید کامل امام بود، کنار گذاشته شدند... شما اشاره به ضرورت حذف جریان بختیار می کنید، اما نهضت آزادی که جریان "بختیار" نبود، اکثریت مجلس که بختیار نبودند، اما حذف شدند. اکنون سالهاست که از فروپاشی اتحاد شوروی می گذرد و دیگر حزبی که وابسته به کمونیسم حاکم در شوروی باشد و پایگاهی هم در خارج داشته باشد، نمی تواند به وجود آید. من اعتقاد دارم، حتی اگر حزب جمهوری اسلامی مانند دوران آیت الله بهشتی اداره می شد، و با بسیاری از همکاران با ارزش از جمله شهید محمد منتظری که من برای او احترام بسیار قائم و بارها با او دیدار و گفتگو داشته ام و نظرات جالبی هم ارائه می داد، می توانست با ادامه روش دکتر بهشتی که وسعت مشرب داشت و برای جلسات بحث و گفتگوی آزادی از بسیاری کارشناسان رشته های مختلف دعوت می کرد، می توانست اثر قابل توجهی داشته باشد. اما پس از شهید شدن دکتر بهشتی، آن حزب به نردبان ترقی تبدیل شد. اگر حتی چند حزب اسلامی تشکیل می شد و بین آنها یک برخورد عقاید و آرای آزاد انجام می گرفت، حتی بدون احزاب غیر اسلامی، چنین وضعی می توانست در تربیت سیاسی مردم نقش موثری بازی کند.

از طرف دیگر، شما نگاه کنید، آیا در میان امام جمعه های مساجد، بسیاری از آنهاست که در دوران شاه بودند و به رژیم گذشته کرنش می کردند و در انقلاب هم شرکت نداشتند، وجود ندارند؟

س- شما آنها را می شناسید؟

ج- نه، ولی ما شاهد دزدی های برخی از آنان بودیم. وقتی که آزاد بودیم آنها را می دیدیم... اکنون مسئله دزدی و رشوه گیری تا کجا رفته است؟ داستان بانک صادرات، داستان رئیس قسمت حفاری وزارت نفت باتمام همکاریانش، داستان دزدی کلان داروستانه ای که مسئولیت نوسازی آبادان را داشتند... امپریالیسم امریکا با تمام نیرو از این موقعیت استفاده می کند.

### گرایش به چپ در جهان

س- آیا آلمان خواستار کنار آمدن با روسیه است؟

ج- من خیال نمی کنم. آلمان ها، الان فقط با یلتسین، که روسیه را به ذلت کشانده است، موافقت نه با کسانی که تفکر چپ دارند. آنها نمی توانند با نیروهای چپ روسیه بسازند. دشمن اصلی جبهه سرمایه داری جهانی، به رغم اختلافات درونی، افکار سوسیالیستی است. آلمان امروز، خواستار یک روسیه بی جان و بی خطراست.

ج- اینطور نیست. باید در این زمینه صبر داشت، باید گذاشت این احزاب جان بگیرند، تجربه پیدا کنند، باهم در جملب هوادار رقابت کنند، نه اینکه رقابت با فحش و توهین و دروغسازي و اتهام.

س- به چه قیمتی؟

ج- به همان قیمتی که در هندوستان به دست آمد. اگر از این راه نرویم با پیشنهاد شما، تربیت سیاسی جامعه کنونی ایران، بدون وجود احزاب سیاسی و برخورد عقاید و آراء آنان تا هزار سال دیگر هم نمی تواند بوجود بیاید.

س- اما هندوستان فرهنگ قوی تری داشت.

ج- خیر، تعداد با سواد های انگلیس در صد و پنجاه سال پیش، از تعداد با سواد های ایران به مراتب کمتر بود، بد نیست کتاب های چارلز دیکنز را بخوانید و با وضع انگلستان در قرن گذشته آشنا شوید و همینطور کتاب های جواهر لعل نهرو را بخوانید تا با وضع هند آشنا شوید. شما کتاب وضع طبقه کارگر در انگلستان، نوشته "فردریک انگلس" را که یکصد و پنجاه سال پیش نوشته شده، بخوانید و ببینید چقدر از وضع امروز ایران عقب تر بودند. رفقای آلمانی به ما می گفتند، آنوقتی که شما بالاترین تمدن جهان را داشتید ما بالای درخت مثل میمونها زندگی می کردیم و این یک واقعیت است. زمانی که ما دانشمندانی مانند خوارزمی، ابوعلی سینا، رازی، بیرونی و خیام نیشابوری را داشتیم، اروپا نیمه وحشی بود. کتاب شفای ابن سینا تا قرن ۱۸ کتاب درسی دانشکده های پزشکی در اروپا بود، جبر و مقاله خوارزمی پایه علوم ریاضی در غرب شد.

س- خوب، آزاد هم می گذاشتیم، حوادث ۳۰ خرداد تکرار شده بود.

ج- چنین نیست، کارگران هرگز جریان ۳۰ خرداد را به وجود نمی آورند. باز هم تکرار می کنم که اگر جریان اقتصادی یا اجتماعی خط امام، یعنی خط مردمی تکیه کردن به حقوق کارگران و زحمتکشان و دهقانان به صورت یک جریان سیاسی حزبی دز می آمد، در جامعه حاکم می شد و جلوی همه گونه هرج و مرج را هم می گرفت، یعنی هم آزادی را تا مرز معینی تامین می کرد و هم جلوی هرج و مرج را می گرفت، چنین نمی شد. این نظر قاطع من است، شما هر چه می خواهید بگویند.

س- می دانم، تخیر، بحث اینست که نحوه کار را چگونه پیدا کنیم؟ ما با آدم های سیاسی مواجه نیستیم، با سیاسی کارها سروکار داریم.

ج- نحوه کار این است که باید بگذارید این کج رویها بشود تا فرهنگ سیاسی پدید بیاید و برای پیدا کردن آغاز این تحول در شرایط کنونی، همانطور که چند دقیقه پیش گفتم، باید صاحب نظران با همه تفاوت دیدگاهها، با شرکت در یک گفتگوی سازنده و آزاد بهترین راه را جستجو کنند.

س- یک مرتبه مورد خاصی است، فرد خاصی است، می توان برخورد کرد، اما جریان وابسته چی؟

ج- اینطور نیست. اگر همانطور که گفتم نقشه دقیقی برای تحول پیدا شود، کاشانی ها راهی به اوج مدیریت جامعه پیدا نمی کنند. ولی اگر این وضع ادامه یابد، توکلی جای کاشانی را می گیرد که بنظر من در بسیاری از جنبه ها تفاوت زیادی با او ندارد.

معتقد هستم که از درون کسانی که مدعی هواداری از خط امام هستند، ممکن است چند حزب تشکیل شود. یک حزب به اصطلاح خط میانه، از شماری از نمایندگان اکثریت دوره سوم. یک جریان دیگر، نهضت آزادی است که دارای نظرات دیگری است، ولی در هر حال میهن پرست است و علاقمند به پیشرفت واقعی کشور. جریان دیگر به اصطلاح راست است که نماینده کامل بخش خصوصی است و اکنون فعالیت دارد. یک حزب دیگر هم ممکن است از مجموعه همکاران آقای هاشمی، یعنی طیف متوسط و معتقد به سازندگی به وجود آید. یک حزب هم از مدافعان خواست های طبقات زحمتکش در درجه اول کارگران و دهقانان.

س- درباره سیاست خارجی ایران نظرتان چیست؟

ج- با موضع گیری به شدت دشمنانه امپریالیسم امریکا، به ویژه پس از بیرون رفتن اتحاد شوروی از میدان سیاست جهانی، و به تبعیت از او برخی دیگر از کشورهای بزرگ و کوچک اردوگاه سوسیالیستی، پیچیدگی سیاست خارجی ایران چند برابر شده است. اکنون بیشتر کشورهای در حال رشد جهان، یا مستقیماً به امپریالیسم غرب وابسته اند و یا در زیر فشارهای سنگین سیاسی و اقتصادی امپریالیسم جهانی و بویژه امریکا قرار گرفته اند. مانند سوریه، لیبی، جمهوری خلق کره و کوبا... به نظر من سیاست خارجی ایران باید به موازات مناسبات "اجباری" با دنیای امپریالیستی، در درجه اول در گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی اش با کشورهای مستقل از سیاست امپریالیست ها بکوشد. مثل جمهوری خلق چین، جمهوری سوسیالیستی ویتنام، جمهوری دمکراتیک خلق کره، جمهوری تنسیالیستی کوبا، جمهوری های آسیای میانه و قفقاز، جمهوری هندوستان، جمهوری اوکراین و جمهوری فدراتیو روسیه، آن هم در چارچوبی که این کشورها مستقل از فشار امریکا، امکان عمل داشته باشند. همچنین ایران می تواند با کشورهایی که ضمن وابستگی جدی به دنیای امپریالیستی، دچار

ج- آنچه من در باره شخص فرخ نگهدار می دانم از مصاحبه ایست که بنا را دیو بی بی سی انجام داده و در آن خود را هوادار رژیم اقتصادی و سیاسی انگلستان اعلام کرده بود. البته این "حزب کار" در ایران به نادرست، "حزب کارگر" شهرت یافته است و تفاوت چندانی هم با حزب محافظه کار انگلستان ندارد.

### نقش تاریخی حزب توده ایران

س- دستاوردهای تاریخی حزب ایران را چه می بینید؟  
ج- باید به حزب توده ایران بازگشت، زیرا جنبش حزب ایران ۵۰ سال پیش با تشکیل این حزب پا به عرصه سیاسی موثر گذاشت. همین حزب، در طول دهه ها، تقریباً یک تاز میدان و نماز حزب در ایران بود. حزب توده ایران، برنامه و اساننامه و تشکیلات منظم را جاری ساخت. جنبه های مثبت فعالیت حزب هنوز با برجاست و اینکه بخشی از فرهنگ و شیوه کار مبارزان ایران را تشکیل می دهد، انکار ناپذیر است. حزب ایران، فرهنگ مترقی و انسان دوستانه و مبارزه با استبداد و ظلم، فساد و استعمار وحشیانه زحمتکشان و همه آرمان های بشر دوستانه و عدالت خواهی را با تمام قوت در جامعه مطرح ساخت. فرهنگ لغات اجتماعی و سیاسی و اصطلاحات نویسی را در سطح کشور مطرح ساخت که قبل از آن در ادبیات سیاسی وجود نداشت. در چنین مکتبی، شعرا و نویسندگان و روزنامه نگاران برجسته ای تربیت شدند و یا از آن متأثر گردیدند. به جرات می توان گفت که کم پیدا می شوند شاعران و نویسندگان آزاد اندیش و مترقی، حتی مردان سیاسی برجسته جدید خواه که سن آنها بالای پنجاه باشد و روزی یا مدتی عضو حزب توده یا سازمان جوانان توده نبوده باشند و یا در انجمن ها و اتحادیه ها و جمعیت های وابسته به حزب توده فعال نبوده و یا در حیطه و حوش آن قرار نگرفته باشند. نوشین، بزرگ علوی، مهدی اخوان ثالث، احسان ظهیری، ایراج اسکندری و ...

گروه های بسیار کوچکی بودند که هیچ وقت پایه توده ای پیدا نکردند، ولی برنامه ای را که حزب توده ایران به مردم عرضه کرد، موجب شد که این حزب، در عرض چند سال به بزرگ ترین حزب، نه تنها در ایران بلکه در تمام خاورمیانه مبدل شود، چون امکان تماس گرفتن با توده مردم وجود داشت. حتی امروز هم افرادی که در درگیری های سال های ۱۳۲۰-۱۳۲۲ شریک نبودند وقتی از احزاب آن دوره صحبت می کنند، تنها و تنها از حزب توده نام می برند. حزب توده ایران در آن دوران، به رغم اشتباهات بزرگی که در ارزیابی های سیاسی اش مرتکب شد توانست نفوذ قابل توجهی در میان توده واقعی مردم، یعنی کارگران و کشاورزان و روشنفکران و دیگر زحمتکشان شهر و روستان به دست آورد.

## مردم باید متشکل شوند

نشریه "عصرما" در سر مقاله شماره ۲۲ مرداد خود، در ارتباط با مقاومت ارتجاع و بازار در برابر برنامه محمد خاتمی نوشت: «... فراموش نباید کرد که مخالفان فکری و سیاسی جناب آقای خاتمی متشکل و آماده اند، و اگر بنا بر مصالحی امروز سکوت کرده اند، به احتمال بسیار زیاد در آینده موضع منفی اتخاذ خواهند کرد. تنها راه موفقیت جناب آقای خاتمی در مقابله مشکلات و دشواری ها سخن گفتن داتم با مردم و یادآوری وعده هاست و توضیح اینکه چه مشکلات و نیروهانی در راه تحقق این وعده ها قرار گرفته اند.»

همین نشریه، در همین شماره و در پاسخ به مقاله ای که در نشریه جامعه سالم و در انتقاد به مواضع حزب مذهبی و خط امامی ها منتشر شده، از جمله نوشت: «... واقعیت حیات سیاسی، فرآیندهای تو در تو، پیچیده و آمیخته از صواب و خطایست. روشنفکران ما نباید به ترویج روحیه انتظار و سکیوت منفعلانه و تعمیق فرهنگی منجی گرایانه برگزیده های روحی و فکری توده مردم بیفزایند و پیش شرط های گذار به سوی جامعه ای مدنی را که همانا شهروندانی نقاد، آگاه، خطرپذیر و فعال است تضعیف کنند. اگر فرهنگ عمومی و سیاسی مردم تحول و تکامل نیابد، اگر روشنفکران و نویسندگان ما در فرآیند تکوین افکار عمومی مشارکت فعال نکنند، اگر شهروندان از عناصری کار پذیر و منفعل به عوامل مشارکت طلب، فعال و ناظر تبدیل نشوند و مهتر از همه اگر افراد در قالب نهادهای مدنی گوناگون از اتحادیه و انجمن و سندیکا گرفته تا مطبوعات و احزاب متشکل نشوند و مطالبات سیاسی و اجتماعی خود را شجاعانه و صریح مطرح نسازند و دولت را وادار به "پاسخگویی" در قبایل نیازها و خواسته های خود نکنند، هیچ تضمینی وجود ندارد حقوق افراد رعایت شود و دولت به سمت خود گامگی میل نکند. صرف نظر از اینکه آقای خاتمی یا جناح خط امام حکومت را در دست داشته باشد، یا هر فرد و گروه دیگر، باید به جامعه سیاسی رشید اندیشید. تا ما خود نخواهیم و نهادهای مدنی قوی ایجاد نکنیم، امکان اینکه هر آزادیخواه مصلحی خود تبدیل به مستبدی انتقاد ناپذیر شود، وجود خواهد داشت.

س- تحولات مجارستان برای من پدیده جالبی است، حزب جاکمی که ۶۱ درصد آراء را در انتخابات اول داشت، در انتخابات سال گذشته، تنها ۱۱ درصد رای بدست آورد. ج- حزب سوسیالیست مجارستان، در گذشته هم، همین نیام را داشت ولی همان حزب کمونیست بود. نه تنها در مجارستان بلکه حتی در ایتالیا هم کمونیست ها به پیروزی عظیمی دست یافتند. تمام ارتجاع، فاشیست های نوپا و پاپ دست به یکی کردند تا به موفقیت برسند، اما با این همه، در انتخابات دو سال پیش توانستند ۵۳ درصد آراء را بدست آورند و نیروهای حزب مترقی توانستند ۲۶ درصد آراء بدست آورند. در انتخابات ماه مه ۹۵ شهرداریها، کمونیست ها موفق شدند پیروز شوند. در بسیاری از شهرهای ایتالیا، شهرداری ها در دست کمونیست ها است. در انتخابات سال ۱۹۹۶ ایتالیا جبهه حزب میانه که بخش مهمی از کمونیست ها در آن شرکت دارند به پیروزی رسید و مامور تشکیل دولت جدید شد. حزب مستقل کمونیست ۱۰ درصد نمایندگان سنا را در دست دارد و از این جبهه که برنامه مترقی دارد پشتیبانی می کند. این پشتیبانی برای تأمین اکثریت در پارلمان و برنامه این جبهه بسیار جالب و نشان دهنده مطالبات اکثریت مردم ایتالیا است.

به این ترتیب، من خیال می کنم مجموعه این جریان شامل برانگیز است. اگر به مجموعه رشد جریان حزب در آمریکا لاتین هم نگاه کنیم در می یابیم که در همه جا، نیروهای حزب در حال پیشروی هستند.

س- چه سیاسی را باید با همسایگان خودمان داشته باشیم؟  
ج- فقط با اعلامیه صادر کردن و فحش دادن و یا تملق گفتن کار پیش نمی رود. شاه فهد با ایران چگونه رفتار کرد؟ با تمام تملق هائی که ما از او گفتیم مانند ایران و عربستان دو بال اسلام هستند. کشورهای عربی، یکی پس از دیگری زیر فشار، یا وعده و وعید های آمریکا در جریان برقراری مناسبات با اسرائیل هستند. ترکیه هر روز مناسباتش را با اسرائیل تنگ تر می کند و بدون رو در بایستی از ایران، پیمان نظامی امضاء می کند که تنها ماده اعلام شده آن اجازه پرواز شکاری بمب افکن های ارتش اسرائیل در تمام فضای هوایی ترکیه و امکان فرود آمدن در فرودگاه های شمالی آن کشور است. به این ترتیب هواپیماهای نظامی اسرائیل تمام مرزهای شمال شرقی ایران را زیر پا بگیرند و در صورت تصمیم به حمله به ایران معلوم نیست که موشک های دور بردشان تا کجا خواهد رسید؟ مسئله کشمیر پرچم سیاست خارجی پاکستان شده است، در منطقه نزدیک کشور ما، مسئله فلسطین به یک گره کور مبدل شده است. اکنون دهها سال است که خلق فلسطین که از با فرهنگ ترین و با استعدادترین خلق های عرب زبان هستند، در آوارگی و در بدری و محرومیت از همه حقوق انسانی به سر می برند. فکر می کنم شما هم می پذیرید که تا امپریالیسم در آمریکا و اروپا وجود دارد، از بین بردن کشور اسرائیل ممکن نیست، بلکه بر عکس اسرائیل هر روز نیرومندتر و از لحاظ اقتصادی و فرهنگی پیشرفته تر می شود، و حتی اگر روزی سوسیالیسم در دنیا پیروز شود، تنها به آنساز کسیختگی اسرائیل لجام زده خواهد شد، ولی کشور اسرائیل از بین نخواهد رفت. واقع بینی، مهم ترین عامل در دست یافتن به سیاست درست است. من به مبارزان لبنانی حق می دهم که تا روزی که اسرائیل بخشی از کشورشان را اشغال کرده است، با همه امکانات خود علیه اشغالگر بجنگند.

س- واقع گرایی که می آید آرمان را کنار می گذارد.

ج- این جور نیست. ما دو جور واقع گرایی داریم، یکی، تسلیم به واقعیت است، یکی این است که ما آرمان داریم، ولی سعی می کنیم آرمان هایمان را با واقعیت که غیر قابل تغییر است، همساز کنیم. دیگر اینکه با در نظر گرفتن این واقعیت و به رغم مشکلات تلاش خود را برای تغییر واقعیت موجود دنبال کنیم.

س- آیا واقع گرایی ما را از شجاعت، شهادت و شهامت دور نمی کند؟

ج- نه، دور نمی کند. ببینید، مثلاً فرض کنیم ما کمونیست هستیم، ولی در کجا؟ در یک جامعه عمیقاً اسلامی. در این شرایط ما واقع گرا هستیم. تا حدودی که به ما امکان می دهد تا بتوانیم به فعالیت ایدئولوژیک خودمان ادامه دهیم با وضع موجود کنار می آیم، تا جایی که شرایط اجتماعی اجازه می دهد، گام به گام به کارگران آگاهی و روشنگری بدهیم و آنان را آماده کنیم تا در آغاز، برای حقوق صنفی و درگام بعدی برای حقوق سیاسی خود مبارزه کنند. این می شود آرمان گرایی و واقع بینی. اما اگر شروع کنیم به تهدید دولت و اعلامیه بدهیم که "اگر تسلیم نظریات ما نشوید، و به برقراری نظام سوسیالیستی تن در ندهید، ما شما را خواهیم کشت." و برای نمونه هم چند بمب بسازیم و نه تنها مردم بی گناه، بلکه برخی از مهمترین افراد هیات حاکمه کشور را بکشیم، آیا از این راه نتیجه خواهیم گرفت؟

ما که در کشور خودمان، تجربه مجاهدین خلق را با کشتار مرکز حزب جمهوری اسلامی و آدم کشی های دیگر را دیده ایم و پی آمدهای دردناکش را برای جهان به اصطلاح "آرمان گرایان" شاهد هستیم!

س- شما فکر می کنید افرادی مثل فرخ نگهدار هم آرمان را کنار گذاشته اند؟